

بایسته‌های مفهوم انصاف حکومتگران و کارگزاران سیاسی از منظر قرآن و روایات اسلامی

نرگس میرزاده^۱

اعظم اعتمادی فرد^{۲*}

ابوالقاسم عاصی^۳

محمد رضا ابویی^۴

10.22034/ir.2022.190877

۴۲۳

چکیده

این مقاله به بایسته‌ها و شاخص‌های انصاف حکمرانان و کارگزاران سیاسی از منظر قرآن و روایات اسلامی تمرکز دارد. در این راستا سعی شده است که مفهوم انصاف و شاخص‌های آن از آیات قرآن کریم و روایات و احادیث اسلامی استخراج شود، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که در قرآن کریم و روایات اسلامی، انصاف علاوه بر آن که ارزشی مؤکد در جامعه اسلامی و نیز در ارتباط با غیرمسلمانان و دشمنان محسوب می‌شود، بلکه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نیز حکمرانان و کارگزاران جامعه اسلامی می‌بایست در شیوه عملکرد و کارگزاری‌شان چه در سطوح فردی و چه در سطوح مسئولیت‌های سیاسی به شاخصه‌های آن متعهد باشند. هم‌چنین در این مقاله علاوه بر شاخصه‌های انصاف به ضرورت و عوامل تحقق آن از منظر قرآن کریم و روایات پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها و شواهد نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد که از طریق آن به استخراج شواهد از آیات قرآن و احادیث و روایات اسلامی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: کارگزاران سیاسی، حکمرانان جامعه اسلامی، مفهوم انصاف، احادیث و روایات

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه فرهنگیان هرمزگان، ایران (نویسنده مسئول).

* nargesmirzadeh93@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

۴. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۴۲۳-۴۵۶

مقدمه

قاعده انصاف در سطوح مختلف حیات فردی و اجتماعی و در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی و بین‌المللی از قواعد مؤسس اجتماع محسوب می‌شود که در کنار قواعدی دیگر از جمله قاعده وفای به عهد از مقوم‌های حیات بشری محسوب می‌شود، این قاعده در طول تاریخ در عرف جوامع مختلف تکوین یافته است و در مذاهب مختلف نیز قاعده‌ای حائز اهمیت است. رعایت انصاف در ابعاد مختلف زندگی مادی و معنوی از اهمیت بسزایی برخوردار است. بهره‌مندی از انصاف و شیوه زندگی منصفانه یکی از دغدغه‌های بشر و بخصوص مسلمین بوده و هست. ضرورت‌های ذاتی و اجتماعی زندگی فردی و جامعه دینی اهمیت بحث در این زمینه را دو چندان می‌کند. به عبارتی مفهوم انصاف از ارزش‌های بنیادین در مناسبات فردی و اجتماعی افراد و جوامع سیاسی است، لذا مسأله‌ای که این مقاله به آن می‌پردازد بررسی انصاف از منظر اسلام به عنوان دینی تمدن‌ساز است. برای پی بردن به مفهوم و معنای صحیح انصاف و تبیین زوایای آن ضرورت دارد به کلام خدا و ائمه اطهار علیهم السلام رجوع کنیم. بر پایه شواهد قرآنی و مستندات دینی انصاف به معنای دادن حق برابر از جانب خویش به دیگران، فضیلتی درونی و حق‌محور و در مقابل تعصب و حمیت است. زمینه‌ساز عدالت اجتماعی است و از خود‌محوری می‌کاهد. در روابط و مناسبات اجتماعی شناخت افراد منصف و غیر منصف بسیار مهم است. زیرا معیار و مبنای گزینش شریک، دوست، حاکم و قاضی است. انصاف دارای انواع و اقسام متعددی است از جمله انصاف در تدبیر و انتخاب، انصاف در گفتار و سخن، انصاف در عمل، انصاف در قضاوت، انصاف در معامله، انصاف در قدرت و ... که رعایت آن بسیار سخت و دشوار است. انصاف که در تمام مراحل و عرصه‌های زندگی حضور دارد، در دو حوزه به طور جدی مطرح می‌شود؛ اول در خصوص حقوق اجتماعی که کانون و محور انصاف اقتصادی است و دوم در زمینه قدرت که کانون و محور انصاف سیاسی قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که رعایت انصاف نسبت به دشمن سخت‌تر است. از همین رو تشخیص انصاف در این بعد بسیار مهم است زیرا اگر شخصی انصاف نرزد تشخیص آن برای همگان یا حد اقل عامه مردم امکان‌پذیر نیست. و در حدی هم که امکان‌پذیر

باشد از نظر قانونی قابل اثبات و پی‌گیری نیست. برداشت نادرست یا ناقص از معنای انصاف و عدم شناخت دقیق مصادیق و نمودهای آن سبب شده است درباره اشخاص و میزان انصاف آن‌ها داوری نادرستی کنیم. نتیجه چنین قضاوتی، از بین رفتن شایسته سالاری در تصدی امور خطیری مانند حکومت، قضاوت و ... است که نیازمند متصدیانی منصف هستند. هسته مرکزی و اصلی فرهنگ حاکم بر زندگی در کشور ما را دین تشکیل داده است. توجه به سبک زندگی بومی مستلزم توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی است که در این زمینه در دین اسلام نهفته است. لذا با مراجعه به آیات قرآن، سنت معصومین علیهم السلام و عقل می‌توان مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را یافت و آن را الگو قرار داد. مؤثرترین و عملی‌ترین روش در تربیت فرد با تمام ابعاد دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی آن، ارائه الگو و مدل می‌باشد. از یک سو به دلیل تنوع اصناف و شغل و حرفه افراد، طراحی الگو برای تک‌تک آنها کار دشواری است، و از سوی دیگر به دلیل این که مردم به دین ملوک خود هستند، از این رو بهتر است ارائه مدل در خصوص سبک زندگی اسلامی کارگزاران بر پایه انصاف باشد. نظر به این که کارگزاران قدرت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، اجرایی و ... را در دست دارند و همچنین همه نوع امکانات در اختیار آنان قرار دارد و به تبع آن برنامه ریزی‌های کلان در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... را در دست دارند، به همین علت رعایت انصاف از سوی آنان بسیار مهم است. از سوی دیگر راه و رسم آنان در زندگی شخصی، اجتماعی، سیاسی و همچنین عملکرد و گفتار آنان برای سایر مردم نقش‌الگویی دارد، پرداختن به سبک زندگی کارگزاران بسیار ضرورت دارد و از اهمیت بالایی برخوردار است و از الزامات جامعه اسلامی است که باید مورد توجه قرار گیرد و فرهنگ سازی شود. بنا بر اهمیت جایگاه و نقش الگویی که کارگزاران برای سایر افراد در جامعه دارند، بر این اساس این مقاله به مساله مفهوم انصاف حکومتگران و کارگزاران سیاسی از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی تمرکز دارد و ابعاد این مساله را از این چشم‌انداز مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. عوامل معنوی مؤثر در تحقق انصاف در کارگزاران سیاسی

۱-۱. ایمان

یکی از مهم‌ترین عوامل و اسباب تأثیرگذار در اخلاق و شخصیت و عملکرد افراد چگونگی دیدگاه آنان به مبدأ و معاد می‌باشد. درجه ایمان و اعتقاد افراد بویژه کارگزاران در یک جامعه تعاملات، مناسبات رفتاری، برنامه ریزی‌ها، تصمیمات و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایمان، تأثیر بسزایی در نفس و روح و وجدان انسان دارد؛ چرا که اعتماد به نفس و قدرت او را بر صبر و تحمل سختی‌های زندگی افزایش می‌دهد. حال این سؤال پیش می‌آید که ایمان چگونه انسان را به این مرحله از قدرت و اعتماد به نفس می‌رساند که بتواند از حق خویش نسبت به دیگران انصاف دهد؟ و نقش ایمان کارگزاران در تحقق انصاف چیست؟ قرآن، انصاف و اطاعت پذیری ای را که ایمان، در نفس مؤمن ایجاد می‌کند، و اثرات مثبتی که در زندگی او ایجاد می‌کند، را چنین توصیف می‌نماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱)؛ و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

یکی از راه‌های افزایش ایمان، تقوا است به این معنا که انسان تمام کارهایی را که به او محوّل شده است به نحو احسن انجام دهد؛ زیرا او در اعمال خود به دلیل کسب رضایت و ثواب الهی همواره به خداوند متعال نظر دارد و این دلیلی است تا انسان برای اینکه کارهای خود را همیشه به نحوی مطلوب انجام دهد، به بهبود ذات و رشد توانایی‌ها و اطلاعات خود بپردازد. تقوا به این معنا، نیرویی است که انسان را به سوی رفتار بهتر و برتر و رشد و ارتقای نفس راهنمایی می‌کند و از رفتار زشت و انحرافی و غیرانسانی بازمی‌دارد و رسیدن به این مرحله، مستلزم جهاد با نفس و سیطره بر خواسته‌ها و تمایلات آن است؛ بنابراین، انسان باید با نیروی ایمان و تقوا بر نفس خود مسلط شود. تقوا، یکی از عوامل اصلی رشد، تکامل و توازن شخصیت است و انسان

را وامی‌دارد نفس خود را به عالی‌ترین مراحل کمال انسانی به رشد برساند (جمشیدی راد، ۱۳۹۵، ۳۰). مراد از ایمان، مسلمان بودن نیست و حتی مراد مؤمن بودن نیز نیست هر چند که شامل هر دوی اینها نیز می‌گردد و اساساً بدون آن دو به درجه سوم از ایمان که مد نظر است نمی‌توان رسید. اینجا مراد از ایمان، اعتقاد به راه است (جاوید، ۱۳۸۸، ۱۱۹). به این ترتیب، بدیهی است که کارگزاران با ایمان نسبت به سایر افراد و دیگر کارگزاران در جامعه، نقش حمایتی بیشتری نسبت به آحاد افراد جامعه خواهند داشت. و شرایطی را فراهم می‌کنند که احساس امنیت و اعتماد بیشتری را به افراد جامعه خود منتقل نموده، در قبال آن‌ها احساس مسئولیت داشته و برای رشد و ارتقاء معنوی خود و تک تک افراد جامعه تلاش می‌نمایند بنابراین ایمان کارگزاران، نقش مؤثری در تحقق انصاف توسط آنان در جامعه دارد.

۱-۲. تقوا، تزکیه و تهذیب نفس

افزایش درجه تقوا و تهذیب نفس در درجه انصاف افراد و بخصوص کارگزاران تأثیر بسزایی دارد. تقوا در چند آیه از قرآن همنشین احسان (کلیدواژه انصاف) آمده که به بررسی چند مورد از آنها می‌پردازیم.

«...قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۹۰) طبق آیه فوق، تحقق انصاف هدف از پیشه کردن تقوا و پرهیزکاری و صبوری و شکیبایی است. بنابراین صبر و شکیبایی با تدبیر و با هدف بهره‌گیری انسان و حکیمانه برنامه‌ریزی شده است.

در جای دیگر خداوند می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ...» (زمر، ۱۰). در این آیه، «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا» تعلیل «اتَّقُوا رَبَّكُم» است. و نیز در آیه: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده، ۹۳)؛ ایمان، عمل صالح و تقوا را در کنار هم داریم که نهایتاً همه آنها از منظر الهی انصاف هستند.

یک کارگزار با ایمان نسبت به افراد جامعه و در قبال آنها احساس مسوولیت بیشتری دارد و به حق و حقوق آنها توجه می‌کند. و در قبال آنها احسان و نیکی بیشتری انجام می‌دهد و درجه بالاتری از انصاف تحقق پیدا می‌کند.

هدف حکومت از منظر قرآن، هدایت، رشد معنوی، تأمین رفاه، تربیت اخلاقی و اصلاح افراد است. در صورتی که افراد پرهیزگار و حق جو در رأس امور حاکمیتی قرار گیرند و حکومتداری با اخلاص و انگیزه الهی صورت پذیرد، جامعه به سمت کمال پیش می‌رود. از هدف‌های مهم جعل خلافت، این است که انسان به نیابت از خدا، در جامعه انسانی، اقامه قسط نماید و به رفع اختلافهای مردم همت گمارد (عابدی، محمد، ۱۴۰۰، ص ۳۷۳). قرآن کریم به منظور خیر خواهی و اصلاح افراد، به ویژگی‌های کارگزاران در امر اعمال حکومتی توجه کرده و به بررسی رفتار، گفتار و عملکرد آنها پرداخته است. خداوند در قرآن با تعبیر «قد افلح من زکّاه» (شمس، ۹) یعنی رستگار است کسی که نفس خود را تزکیه نماید. یعنی آن را بوسیله طاعت پروردگار و اعمال صالح و نیکو پاک و اصلاح نماید (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰، ۷۵۵). تهذیب نفس و تزکیه درون و خالص کردن نیات و اغراض، جهت گیری‌ها، انتخاب‌ها و تصمیمات در جهت رضای خداوند، از خصوصیات مهم برای دست اندرکاران مسائل تربیتی، فرهنگی و بویژه حکومتی در سبک زندگی اسلامی کارگزاران است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹)؛ خداوند در این آیه نتیجه قطعی اخلاص در عمل را مژده می‌دهد (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۴۰۴).

۳-۱. ذکر خدا

مصادیق ذکر خداوند موارد زیادی هستند که در این پژوهش به سه مورد؛ نماز، قرائت قرآن و دعا پرداخته می‌شود

۱-۳-۱. نماز

نماز یکی از مهم‌ترین مصادیق ذکر خدا به شمار می‌رود؛ به هنگام اقامه نماز در پیشگاه خالق جهان هستیم. اگر نماز با آداب صحیح به جای آورده شود، قطعاً آثار و برکات زیادی برای خود فرد و دیگران در پی خواهد داشت. نماز حس نوع دوستی، خیر خواهی، گذشت و نیکوکاری، احسان و رعایت انصاف را در شخص نمازگزار

برمی‌انگیزد؛ چون انسان به هنگام نماز با تمام وجود و حواس در محضر خدا حاضر می‌شود و جز به نماز به چیز دیگری فکر نمی‌کند. همین رویگردانی کامل از مشکلات و امور دنیوی و بی‌توجهی به آن‌ها در حال اقامه نماز، باعث تواضع و فروتنی در برابر خداوند و احساس مسوولیت نسبت به دیگران در بذل احسان و یاری و انصاف می‌گردد.

در روایات امامان معصوم (علیهم‌السلام) سفارش شده که شخص قسمتی از زمان خود را برای عبادت اختصاص دهد. همین قاعده در زندگی یک فرد مسوول و کارگزار نیز باید جاری باشد. اگر در خانه و محل کار ذکر خداوند و عبادات کنار رود و یا کم‌رنگ شود، ذکرها و اولویت‌های دیگر و اعمال دیگری جایگزین می‌شوند و به مرور زمان معنویت فضای حاکم بر زندگی و کار و عملکرد و گفتار کم می‌شود؛ از سوی دیگر هرچه در زندگی شخصی و محیط کار زمینه تقویت ایمان و اعمال شایسته بیشتر باشد، زمینه تحقق انصاف بیشتری وجود خواهد داشت. از سوی دیگر خداوند در قرآن به افراد رویگردان از ذکرش هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم (طه، ۱۲۴).

۱-۳-۲. قرائت قرآن

انس با قرآن یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با خدا به شمار می‌رود؛ قرائت قرآن دومین مرتبه از مراتب انس با قرآن است. مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: **أَفْضَلُ الذِّكْرِ الْقُرْآنُ بِهِ تُشْرَحُ الصُّدُورُ وَ تَسْتَنْبِرُ السَّرَائِرُ** (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۱۸۹)؛ برترین ذکر قرآن است که به واسطه قرائت آن سینه‌ها گشاده می‌شود (افراد صبور می‌شوند) و درون افراد نورانی می‌گردد.

به هنگام قرائت قرآن در پیشگاه خالق جهان و مخاطب آن خالق بی‌همتا هستیم. دستور خود قرآن است که قرائت قرآن با آداب صحیح انجام شود، و به معانی آن توجه شود و ضمن مطالعه تفسیر قرآن، به تدبر در قرآن پرداخته شود، قطعاً آثار و برکات زیادی از تدبر در قرآن در عملکرد و گفتار انسان، برای خود فرد و دیگران در پی خواهد داشت.

قرآن حسِ نועدوستی، خیر خواهی، گذشت و نیکوکاری، احسان و رعایت انصاف را در شخصی که به دستورات قرآن عمل می‌کند، را برمی‌انگیزد؛ چون انسان به هنگام قرائت قرآن مخاطب خالق هستی قرار می‌گیرد، رسم ادب و حرمت ایجاب می‌کند که انسان با تمام وجود در محضر خدا حاضر شود. همین امر سبب می‌شود که شخص در آن حالت روحانی و معنوی جز به کلام خالق هستی به چیز دیگری فکر نمی‌کند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که به تلاوت قرآن انس گیرد، جدایی دوستان او را به وحشت نمی‌اندازد. همین دل بریدن از تعلقات مادی و تعاملات بشری انقلابی در وجود شخص ایجاد می‌کند که باعث تواضع و فروتنی در برابر خداوند و احساس مسوولیت نسبت به خانواده و هم‌نوعان در بذل احسان، نیکی، ایثار، فداکاری و نועدوستی می‌گردد و نهایتاً زمسنه تحقق انصاف فراهم می‌گردد.

۱-۳-۳. دعا

یکی دیگر از راه‌های ارتباط و اتصال با مبدأ هستی دعا و نیایش است. یک کارگزار مسلمان متعهد ضمن تلاش و کوشش و کسب مهارت‌های لازم در کار، اتخاذ راهکارهای مناسب مدیریتی در شأن یک کارگزار در مملکت و حکومت اسلامی، باید به طرق مختلف از جمله راه دعا با مبدأ فیض و قدرت در هستی ارتباط برقرار کند، تا با توکل بر او ضمن توفیق در انجام وظیفه از مسیر حق و حقیقت خارج نشود. و خالصانه خدمتگزار و الگوی شایسته‌ای برای مردم باشد.

۱-۳-۴. اطاعت و تبعیت از امر پروردگار و رسول

در آیات زیادی از قرآن کریم امر و فرمان به اطاعت از خداوند و رسول صادر شده است. از آن جایی که نحوه عملکرد و رفتار کارگزاران در جامعه الگوی رفتاری آحاد افراد جامعه در امور مادی و معنوی است، لذا ضرورت دارد کارگزارانی شایسته و مطیع امر پروردگار و متعهد و دلسوز در رأس امور قرار گیرند. امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ»؛ آگاه باشید! برای هر پیروی، پیشوایی است که به آن اقتدا می‌کند (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۶۷). در آیه ۴۶ سوره انفال می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ...»؛ و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید ...

هم‌چنین در سوره احزاب می‌بینیم «... وَ مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً» (احزاب، ۷۱)؛ و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نائل آمده است.

در سوره نساء آیه ۵۹ خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

هم‌چنین در آیه «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (نساء، ۶۴)؛ و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند.

نیز در آیات ۶۹ و ۸۰ سوره نساء مقام و پاداش اطاعت کنندگان را برشمرده است. «وَ مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقاً»؛ و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً» (نساء، ۸۰) اینک گفتیم ما تو را به عنوان رسول فرستادیم و تو جز این سمت را نداری، علتش این است که هر کس تو را به آن جهت که رسول مایی اطاعت کند، در حقیقت ما را اطاعت کرده و کسی که از تو اعراض کند، از ما اعراض کرده و ما تو را حافظ و نگهبان بر آنان نفرستاده‌ایم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵، ۹).

در آیه ۲۰ سوره انفال هم امر به اطاعت را داریم و هم رویگردانی از آن نهی شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و فرستاده او را فرمان برید و از او روی برنمایید در حالی که [سخنان او را] می‌شنوید.

ضمیر "عنه" بطوری که از سیاق کلام برمی‌آید به رسول خدا (ص) بر می‌گردد، یعنی از رسول خدا روی برنمایید با اینکه دارید دعوت حقه‌ای را که به وی وحی شده می‌شنوید و اوامر و نواهی او را که همه به صلاح دین و دنیای شما است به گوش خود می‌شنوید،

البته در آیه شریفه اوامر و نواهی مربوط به جنگ منظور کلام است و لیکن بیان آیه عام است (همان، ۹، ۵۰).

خداوند در آیه ۱۲ سوره تغابن ضمن دستور به اطاعت از خدا و رسول، اعلام نموده است که وظیفه پیامبر فقط دعوت صریح و پیام رسانی آشکار است. «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است.

در آیه ۳۲ آل عمران آشکارا اعلام شده که رویگردانی از اطاعت خدا و رسول کفر است. «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ»؛ بگو: «خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید.» پس اگر رویگردان شدند، قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد.

در آیه ۱۳۲ آل عمران وعده برخورداری از رحمت الهی در مقابل اطاعت خدا و رسول ذکر شده است. و خداوند می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ فرمان خدا و پیامبر را اطاعت کنید و ربا- خواری را ترک گوئید تا مشمول رحمت الهی شوید" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۸۹).

در آیه ۱۳ سوره نساء اشاره به حدود الهی و پاداش اطاعت کنندگان از اوامر الهی شده است؛ «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ این‌ها احکام الهی است، و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آن جاودانه‌اند، و این همان کامیابی بزرگ است.

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ... وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ" کلمه "حد" به معنای دیوار و حائل بین دو چیز است، حائلی که از اختلاط آن دو به یکدیگر جلوگیری کند و تمایز بین آن دو را حفظ کند، مانند حد خانه و بستان و منظور از حدود خدا در این جا احکام ارث و فرائض و سهام معین شده است که خدای تعالی در این دو آیه با ذکر ثواب بر اطاعت خدا و رسول در رعایت آن حدود و تهدید به عذاب خالد و خوار کننده در برابر نافرمانی خدا و تجاوز از آن حدود امر آن را بزرگ داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴، ۳۳۶).

خداوند در آیه ۹۲ سوره مائده ضمن امر به اطاعت از دستورات الهی و رسول خداوند، مخاطبین را بر حذر داشته است از رویگردانی از این فرامین و دستورات و می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ عبارت "وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا ..." تأکید امری است که قبلاً به اجتناب از این پلیدی‌ها کرده بود. و عبارت قرآنی " فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ" تأکیدی است که در آن معنای تهدید است، مخصوصاً از جهت اینکه می‌فرماید: "فاعلموا" زیرا این خود اشاره است به اینکه شما مرتکبین خمر و میسر و غیره و نافرمانیهای خود را یک نوع غلبه بر رسول الله (ص) پنداشته‌اید، و نفهمیدید، یا فراموش کردید که رسول خدا در این بین سود و زبانی ندارد، و جز رسانیدن پیغام و تبلیغ مأموریت خود و وظیفه دیگری ندارد، و این نافرمانیها برگشتش به دشمنی با خدای تعالی است، و ندانستید که شما در حقیقت در مقام معارضة با ربوبیت پروردگار خود بر آمده‌اید (همان، ۶، ۱۸۵).

در آیه ۱ سوره انفال اطاعت از امر خدا و رسول را از ویژگی‌های مؤمن بودن بر شمرده است: «... وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

با تحلیل آیات مذکور نتیجه می‌شود که یک کارگزار و مسئول شایسته باید تابع و مطیع دستورات و فرامین الهی باشد، تا از بند سلطه و بندگی قدرتهای پوشالی و مادی رهایی یابد و بتواند در جامعه بستری برای تحقق اطاعت امر الهی را برای آحاد افراد جامعه خود فراهم نماید. در چنین صورتی هست که حق‌گرایی در جامعه رواج پیدا می‌کند و زمینه تحقق انصاف در جامعه فراهم می‌شود.

۴-۱. نقش بستر معنوی خانواده در تحقق انصاف کارگزاران سیاسی

خانواده کوچک‌ترین واحد و نهاد اجتماعی در جامعه است. منابع و متون دینی اسلام، خانواده را از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحدهای اجتماعی می‌داند که بنای آن بر الفت، همدلی و نیکوکاری نسبت به یکدیگر استوار است و روابط آن بر احسان و مهربانی و انصاف پایه‌گذاری شده است. نحوه رفتار افراد با یکدیگر در خانواده و سیاست‌ها و اصول کلی و جو حاکم بر خانواده بر چگونگی ایفای نقش آنها هم تأثیرگذار است. اگر

همه اعضای خانواده با هم همراه و به مبانی اخلاق اسلامی پایبند باشند قطعاً در نحوه رفتار و عملکرد آنها با دیگران هم مد نظر خواهد بود. مهم‌ترین الگوهای ما مسلمانان و همه کارگزاران مسلمان، ائمه اطهار علیهم السلام و در رأس آنان پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم می‌باشد. خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز بر پا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. کلمه "قرن" امر از ماده "قر" است، که به معنای پا بر جا شدن است، و اصل این کلمه "اقرن" بوده، که یکی از دو "تا" را "آن حذف شده است، ممکن هم هست از ماده "قار، بقار" به معنای اجتماع، و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها باشد، و مراد این باشد که‌ای زنان پیغمبر! از خانه‌های خود بیرون نیایید. و کلمه "تبرج" به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است، و کلمه "جاهلیه اولی" به معنای جاهلیت قبل از بعثت است، پس در نتیجه مراد از آن، جاهلیت قدیم است، "وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ" - این آیه دستور می‌دهد که اوامر دینی را امتثال کنند، و اگر از بین همه اوامر فقط نماز و زکات را ذکر نمود، برای این است که این دو دستور رکن عبادت، و معاملات است، و بعد از ذکر این دو به طور جامع فرمود: و خدا و رسولش را اطاعت کنید.

طاعت خدا عبارت است از امتثال تکالیف شرعی او، و اطاعت رسولش به این است که آنچه با ولایتی که دارد امر و نهی می‌کند، امتثال شود، چون امر و نهی او نیز از ناحیه خدا جعل شده، خدا او را به حکم "النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ" ولی مؤمنین کرده، و فرمان او را فرمان خود خوانده. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶، ۴۶۲-۴۶۱). مطابق مضمون این آیه انتظار است که اعضای خانواده کارگزاران مطیع و تابع قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند و همراه باشند.

بنابراین یکی از راه‌های تحقق انصاف در عملکرد کارگزاران طبق نظر قرآن و تحقیقات اندیشمندان تشکیل خانواده است و اهل خانه از عوامل معنوی مؤثر در تحقق انصاف

هستند. خانواده سالم و متعهد نیازهایی فراتر از مسکن، غذا، تحصیل و حتی امنیت جسمی اعضای خود را برآورده می‌سازد. به عبارت دیگر باید احترام به حقوق دیگران و رعایت انصاف به عنوان یک اصل در خانه به افراد خانواده آموزش داده شود که هر فرد در خانه نسبت به حقوق دیگران مسوولیت دارد و باید کوشش خود را در این باره منظور دارد؛ به عبارت دیگر ارائه آموزش‌هایی به افراد خانواده برای چگونگی تأمین این هدف ضرورت دارد. لذا برای تحقق این امر (توجه به حقوق افراد در محیط خانه)، همواره باید نام و یاد خداوند همچون نماز، دعا و قرآن و... در خانه‌ها جریان داشته باشد تا بتوان شاهد تحقق انصاف بود.

۴۳۵

۱-۵. نگاه به مسوولیت به عنوان امانت

الگوی کارگزاران در توجه به مسوولیت و وظیفه شناسی و حکمرانی، شیوه عملکرد ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند. مبنای حکومت و رهبری و مدیریت بر پایه قوانین دین اسلام می‌باشد. حضرت علی علیه السلام به مالک ابن حارث اشتر در پیمان خود به او امر فرموده، هنگامیکه او را والی مصر گردانید: تا خراج آنجا را گرد آورد، و با دشمن آن بجنگد، و به اصلاح حال مردم آن بپردازد، و شهرهای آنجا را آباد سازد. و بر هوا و خواهش خود مسلط باش (مهارش را بدست گیر تا در سختی‌هایت نیافکند) و بنفس خویش از آنچه برایت حلال و روا نیست بخل بورز، زیرا بخل بنفس انصاف و عدل است. با خدا به انصاف رفتار کن (اوامر او را کار بند و از نواهِش بپرهیز) و از جانب خود و خویشان نزدیک و هر رعیتی که دوستش می‌داری در باره مردم انصاف را از دست مده و میانه روی در حق داشته باش. *پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی*

کسی را که به گفتن زشتی‌های مردم اصرار دارد، از خود دور کن. و در کار خود بخیل راه مده که ترا از نیکی و بخشش باز داشته از بی‌چیزی و درویشی می‌ترساند، و نه بی‌دل و ترسو را که تو را از (اقدام در) کارها سست می‌گرداند، بدترین وزیران تو وزیر است که پیش از تو وزیر اشرار و بد کرداران و در گناهان (کارهای ناشایسته) با آنها شریک و انباز بوده، پس چنین کسی نباید از خواص و نزدیکان تو باشد، باید برگزیده‌ترین وزیر تو کسی باشد که سخن تلخ حق بتو بیشتر گوید، و کمتر تو را در گفتار و کردارت که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد بستاید اگر چه سبب دلتنگی شود.



با پرهیزکاران و راستگویان همنشین باش و آنان را وادار و بیاموز که بسیار ترا نستانند، زیرا بسیاری اصرار در ستایش شخص را خود پسند ساخته سرکشی بار می‌آورد. نیکوکار و بدکار نزد تو بیک پایه نباشد که آن نیکوکاران را از نیکوئی کردن بی‌رغبت سازد و بد کرداران را به بدی کردن وادارد، و هر یک از ایشان را بآنچه گزیده جزاء ده. سنت‌های شایسته‌ای را که رؤساء و بزرگان این امت بآن رفتار نموده‌اند، و الفت و انس (بین مردم) بسبب آن پیدا شده، و (کار) رعیت بر آن منظم گردیده، را مشکن. در خصوص استوار ساختن آنچه کار شهرهای تو را منظم گرداند و برای برپا داشتن آنچه مردم پیش از تو برپا داشته بودند بسیار با دانشمندان مذاکره و با راستگویان و درست کرداران گفتگو کن که بر اثر آن همیشه حکومت تو پایدار مانده و کار رعیت به شایستگی انجام گیرد (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۹۱-۱۰۰۲). مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به اشعث بن قیس که استاندار آذربایجان و منسوب خلیفه سوم بود و نگرشی نادرست به مفهوم مدیریت و حکومت داشت می‌فرماید: عمل (و حکمرانی) تو رزق و خوراک تو نیست. تو را حکومت نداده‌اند تا آنچه بیایی از آن خود پنداشته بخوری) ولی آن عمل امانت و سپرده‌ای در گردن تو است (که بایستی آنرا مواظبت نموده در راه آن قدمی بر خلاف دستور دین بر نداری) و خواسته‌اند که تو نگهبان باشی برای کسیکه از تو بالاتر است (تو زیر دست امیری هستی که تو را حافظ و نگهبان قرار داده و ولایتی بتو سپرده که آنرا از جانب او مواظبت نمایی، تو اجازه نداری که در کار رعیت بمیل خود رفتار نمایی. و در دستهای تو است مال و دارائی از مال خداوند بی‌همتای بزرگ، و تو یکی از خزانه داران آن هستی تا آنرا بمن سپاری، و امید است من بدترین والیها و فرماندهها برای تو نباشم (همان، ۸۳۹-۸۴۰).

۱-۶. بصیرت و آگاهی

مطابق اصول و مقررات منطقی، یک کارگزار باید همواره از اطلاعات و آگاهی و دانش به روز و جامع برخوردار باشد، تا گفتار و عملکرد و تصمیماتش از روی آگاهی و علم و معرفت و اشراف به موضوع باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا كَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۶) این آیه نسبت به هر گفتار یا کردار یا تصمیمی که از روی علم نباشد، عمومیت دارد.

گویی چنین می‌گوید: جز آنچه را که علم بدرستی آن داری نگو و جز آنچه را که بدرستی آن یقین داری، انجام نده و جز آنچه را که به صحت آن اطمینان داری، معتقد نباش (طبرسی، ۶، ۱۳۷۲، ۶۴۱). از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، نه در عمل شخصی خود از غیر علم پیروی کن، و نه به هنگام قضاوت در باره دیگران، نه شهادت به غیر علم بده، و نه به غیر علم اعتقاد پیدا کن. نهی از پیروی از غیر علم معنی وسیعی دارد که مسائلی اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود، و اینکه بعضی از مفسران آن را به بخشی از این امور محدود کرده‌اند دلیل روشنی ندارد، زیرا لا تقف از ماده قفو (به وزن عفو) به معنی دنباله روی از چیزی است، و می‌دانیم دنباله روی از غیر علم، مفهوم وسیعی دارد که همه آنچه را گفتیم شامل می‌شود. الگوی شناخت در همه چیز، علم و یقین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲، ۱۱۶). سخن گفتن از روی ناآگاهی ناپسند است، حتی از دیدگاه کسی که به خدا و روز قیامت ایمان ندارد. خداوند در آیه گوش، چشم و قلب را یادآور شده و صاحب این ابزار سه‌گانه را اراده کرده است. خداوند درباره این ابزار از صاحب آنها می‌پرسد و چنانچه چیزی را بدان‌ها اسناد دهد که آنها انجام نداده باشند، خدا وی را مجازات می‌کند. چنان‌که بگوید: شنیدم، در حالی که نشنیده باشد، دیدم، در حالی که ندیده باشد، باور دارم و تصمیم گرفتم، در حالی که باور نداشته و تصمیم نگرفته باشد و یا بر باطل تصمیم گرفته باشد (مغنیه، ۵، ۱۴۲۴، ۴۳). مولای متقیان حضرت علی (ع) در پاسخ نامه ابوموسی اشعری فرمود: و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خدا اصلاح کرده برهم زند بیزارم. آنچه نمی‌دانی واگذار. زیرا مردان بدکردار با سخنانی نادرست به سوی تو خواهند شتافت (دستی، ۱۳۸۰، ۶۱۹). مطابق مضمون آیه مذکور عملکرد و گفتار باید بر اساس شناخت و منطق و دلیل باشد و اگر جایی نقدی وارد است آگاهانه باشد و به انصاف سخن یا عمل شخص مخاطب مورد ارزیابی قرار گیرد. این آیه شریفه یکی از دستورات اخلاقی مهم در بحث تعاملات اجتماعی یعنی هماهنگی بین گفتار و کردار را مطرح می‌کند. مولای متقیان حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌فرماید: آنچه نمی‌دانی نگو، گرچه آنچه را می‌دانی اندک است (شریف الرضی، ۱۳۸۰، ۵۲۷). خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ

تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات، ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبدا (از روی زودباوری و شتابزدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده خود پشیمان شوید (قرائتی، ۱۳۸۸، ۹، ۱۶۷) پیامبر «ص» فرمودند: «مَنْ عَمَلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُهُ؛ هر کس که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از اینکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ۴، ۴۸۷). خداوند در سوره حج می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (حج، ۸) این آیه به رهبران گمراه کننده اشاره می‌کند که در واقع تفسیر «شیطان مرید» است. با این آیات انسان برای اثبات عقیده خود به سه عامل نیاز دارد: استدلال و دلایل روشن «علم»، هدایت و رهبری توسط رهبران الهی و سوم کتاب آسمانی که از وحی تغذیه می‌شود. (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۳۳۳). امام صادق (ع) به یکی از یاران خویش فرمود: تو را باز می‌دارم از دو صفت که هلاک مردان در آن است. از اینکه با روش باطلی دینداری کنی و ندانسته به مردم فتوی دهی (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۱۰۲؛ برقی، ۱، ۱۳۷۱، ۲۰۴، ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱، ۵۲).

منطقی است که افراد، بدون تخصص و اطلاع از چیزی، از اظهار نظر بپرهیزند تا از آفات و پیامدهای تلخ آن در امان بمانند. امام علی (ع) خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع) می‌فرماید: و آنچه نمی‌دانی مگو و اگر چه دانسته‌ات اندک باشد، و آنچه دوست نداری برایت گفته شود مگو. (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۲۲). در جای دیگر خداوند می‌فرماید: «... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ.....» (بقره، ۲۴۷) دو مورد از ویژگی‌های شخصیتی مدیران از منظر قرآن در سوره بقره عبارتند از بصیرت و علم افزایی و سلامت و توانایی جسمانی (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۴۰). غرض از تشکیل ملک و حکومت این است که صاحب حکومت امور جامعه را طوری تدبیر کند که هر فردی از افراد جامعه به کمال لایق خود برسد، و کسی یا چیزی مانع پیشرفتش نگردد، و برای چنین حکومتی دو سرمایه لازم است، یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفسد آن، و دوم داشتن قدرت جسمی بر اجرای آنچه که صلاح جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۲، ۴۳۵).

۷-۱. صداقت و راستگویی

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در تحقق انصاف در عملکرد و گفتار کارگزاران صداقت و راستگویی و یک رنگی در اعمال و یکپارچگی در شخصیت است. زیان حال حضرت شعیب دال بر این ویژگی مهم است: «قال يقوم اریتم علیه توکلت و الیه اُنیب» (هود، ۸۸)؛ شعیب در پاسخ قوم که سخنان او را حمل بر بی خردی می کردند گفت آیا می توانم خلاف امر او رفتار کنم؟ هم وسعت رزق عطا کرده و هم روزی معنوی نبوت ارزانیم داشته است: ای قوم! من در این کار حسن نیت و قصد خدمت به شما دارم و چیزهایی می دانم که شما نمی دانید من نمی خواهم شما را از چیزهایی که نهی می کنم، خود به خلاف آن عمل کنم. من یک هدف بیشتر ندارم و آن اصلاح شما و جامعه شماس است تا آنجا که می توانم. برای این منظور تنها از خدا توفیق می طلبم و توفیق من جز با خدا نیست (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۲۳۱). خداوند در جای دیگر می فرماید: «و الذی جاء بالصدق و صدق به اولئک هم المتقون * لهم ما یشاؤون عند ربهم ذلک جزاء المحسنین» (زمر، ۳۳-۳۴) در آیه ۳۳ سوره زمر پارسای واقعی کسی است که پیامبر و قرآن را تصدیق می کند. و خداوند در پاداش آن ها می گوید: ما بدترین گناه آنها را خواهیم بخشید (همان، ۴۶۲). مراد از آوردن صدق آوردن دین حق است و تصدیق به آن و ایمان آوردن به آن است. توصیف متقین به احسان و ظهور آن در عمل صالح و اعتقاد حق و یا تنها در عمل صالح همه شاهد بر آن است که مراد از تصدیق مذکور تصدیق قولی و فعلی است (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱۷، ۳۹۴-۳۹۵).

۸-۱. برخورداری از سلامت

اسلام هم به سلامت روح توجه دارد هم به سلامت جسم. مهم ترین اصل در سلامت شخصیت، انسجام، یکپارچگی و وحدت شخصیت در سه ساحت و پایگاه وجودی انسان یعنی ساحت فکر و اندیشه، ساحت عواطف و احساسات و ساحت اعمال و رفتار است (خدایار، ۱۳۹۳، ۱۱-۵۲). خداوند می فرماید: «...قال إنَّ الله اصطفاه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم.....» (بقره، ۲۴۷) دو مورد از ویژگی های شخصیتی مدیران از منظر قرآن در سوره بقره عبارتند از بصیرت و علم افزایی و سلامت و توانایی جسمانی (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۴۰)؛ غرض از تشکیل ملک و حکومت این است که صاحب حکومت

امور جامعه را طوری تدبیر کند که هر فردی از افراد جامعه به کمال لایق خود برسد، و کسی یا چیزی مانع پیشرفتش نگردد، و برای چنین حکومتی دو سرمایه لازم است، یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفسد آن، و دوم داشتن قدرت جسمی بر اجرای آنچه که صلاح جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۲، ۴۳۵). مفهوم کلی این تفاسیر بیانگر تحقق انصاف در عملکرد توسط کارگزاران است. و سلامت شخصیت نقش مستقیمی در آن دارد.

۹-۱. صبر و خویشتن داری

صبر، خویشتن داری و بردباری در امر اداره امور حکومتی یکی از شاخص‌های مهم یک کارگزار است و در انجام اموری چون قضاوت، نقد و مدیریت نقش کلیدی دارد. خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات، ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا از روی زودباوری و شتاب‌زدگی تصمیم بگیرید و ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده خود پشیمان شوید (قرآنی، ۱۳۸۸، ۹، ۱۶۷، ابن ابی جامع، ۱۴۱۳، ۳، ۲۲۶-۲۲۷، زمخشری، ۱۴۰۷، ۴، ۳۶۰). چیزی که هست در خصوص خبر اشخاص فاسق خداوند دستور فرموده تحقیق کنید، و این در حقیقت نهی از عمل به خبر فاسق است، و حقیقت این نهی این است که می‌خواهد از بی‌اعتباری و عدم حجیت خبر فاسق پرده بردارد، و این هم خودش نوعی امضاء است، چون عقلاً هم رفتارشان همین است که خبر اشخاص بی‌بندوبار را حجت نمی‌دانند، و به خبر کسی عمل می‌کنند که به وی وثوق داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸، ۴۶۴). لزومی ندارد انسان به هر سؤالی پاسخ دهد بخصوص افرادی که مسؤولیت بر عهده دارند نباید بدون تدبیر و تفکر هر حرفی را بر زبان جاری کنند. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: علت پیدایش بسیاری از اختلافات، تعجیل و شتاب‌زدگی در حمل بر بدی کردن سخن طرف مقابل است، با این که اگر هر کس تا آنجا که می‌داند اظهار نظر کند، و آنجا که نمی‌داند، زود قضاوت نکند و از اظهار نظر بپرهیزد، بسیاری از اختلافات از بین می‌رود، و یا اساساً منازعه و اختلافی پیش نمی‌آید. و نیز می‌فرماید: «لو سکت من لایعلم سقط الاختلاف»: اگر کسی

که نمی‌داند سکوت کند، اختلاف از میان می‌رود. ارزیابی عملکردها و سخن‌ها پس از عمل است، نه قبل از آن و براساس پیش داوری عجولانه و بی‌اساس. همچنین آن امام بزرگوار علیه‌السلام به فرزند گرامی‌اش امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: بکوش تا همت و جستجوی تو در درک و دانستن باشد، نه به شبهه‌ها در افتادن و جدال را بیشتر کردن (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۱۶). در جای دیگر خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت، ۳۴) ای محمد صلی الله علیه و آله! میان کار تو که دیگران را به خدا فرا می‌خوانی و با کمال شکیبایی، آزارها را در این راه تحمل می‌کنی و کار کسانی که به فراخوانی تو به خدا از طریق روی گردانیدن، دروغ بستن و آزار دادن پاسخ می‌دهند تفاوت فراوانی است. چه، کار تو درود و نیکی و کار آنان زشتی و نفرین است. با این وجود، وظیفه تو آن است که با مدارا و تسامح با آنان برخورد کنی و در برابر نادانی آنان شکیبا باشی؛ زیرا در میان آنان کسانی هستند که اگر با شیوه گذشت با آنها برخورد کنی، به پروردگار و اندیشه‌اش بازمی‌گردند و دشمنی آنها به محبت و کینه‌شان به دوستی تبدیل می‌شود. انسان می‌تواند با یک سخن خوش دوستانی به دست آورد که در کنارش بجنگند و نیز می‌تواند با یک سخن زشت، دشمنانی برای خود بیافریند که بر ضد او بجنگند و سخنان نیکوکاران توانسته است گروه فراوانی از گناهکاران را هدایت کند و مشکلات فراوانی را از میان بشر بردارد (مغنیه، ۱۳۷۸، ۶، ۸۰۰-۷۹۹). خداوند در آیه ۹۰ سوره یوسف، پاداش و جزای صابران را بیان می‌کند: «مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ این عبارت قرآنی هم بیان علت و سبب منت الهی است و هم خود دعوت برادران یوسف است بسوی احسان (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱۱، ۳۲۳).

۲. عوامل طبیعی و مادی مؤثر در تحقق انصاف کارگزاران

۲-۱. هوشیاری در استفاده به‌جا و بهینه از منابع سرشار طبیعی

شیوه بهره‌برداری صحیح و استفاده به‌جا و بهینه از منابع سرشار طبیعی در کشور از عوامل تحقق انصاف است. در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر

آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، ممنوع است (رحمانیان، ۱۳۸۷، ۵۰). لذا از وظایف یک کارگزار است که تلاش و توجه داشته باشد برای تدوین و تصویب مقررات حفظ محیط زیست، تدوین و تدارک برنامه‌های آموزشی برای فرهنگ سازی و نهادینه ساختن احترام به قوانین و مقررات در حفظ ثروت‌ها و دارایی‌های شخصی، منطقه‌ای، عمومی و ملی.

در اصل چهل و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آورده شده که در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد (همان، ۴۸-۴۹).

بلاای طبیعی (سیل، زلزله، خشکسالی، آتش سوزی جنگل‌ها، آفات گیاهی، بیماری‌های همه گیر انسان و حیوانات و ... از عوامل غیر مترقبه‌ای هستند که در حالت عادی مردم خیلی به آنها فکر نمی‌کنند. اما یک کارگزار عاقبت‌نگر و با تدبیر شایسته است که افرادی را مأمور کند برای این چنین مواقع و حوادثی، جهت کاهش درد و رنج‌های افراد بی‌پناه. در نظر داشتن مدیریت در شرایط بحران، توسعه زیرساخت‌ها، بازسازی، بهسازی و نگهداری راه‌های خشکی، آسفالت و ریلی، آبی و هوایی به منظور استفاده بیشتر و بهتر آحاد افراد جامعه. وجود زمین‌های کشاورزی حاصلخیز یک ثروت است. ایجاد زمینه برای کار و فعالیت تمام افراد جامعه، حمایت از تولیدات آنها، خرید تضمینی و ... کشور ایران با داشتن اقلیم چهار فصل بهترین شرایط را دارد. مناطق کوهستانی، کویری، منطقه حاشیه دریای خزر پر باران و مرطوب، دارا بودن شرایط آب و هوایی متفاوت، جنگل‌های فراوان، منابع زیر زمینی و معادن و ذخایر طبیعی و میدان‌های نفت و گاز و ... همه از سرمایه‌های طبیعی و ملی کشور است که کارگزاران باید برای استفاده درست و بهینه از آنها با تدبیر عمل کنند.

۲-۲. عوامل اقتصادی مؤثر در رعایت انصاف کارگزاران

حمایت از تولید داخلی، ایجاد زمینه و فراهم نمودن شرایط برابر برای همه اقشار بخصوص اقشار آسیب پذیر باید در متن برنامه‌های یک کارگزار مسلمان و منصف باشد.

زیرا تدارک، تدوین و وضع مقررات و قوانین جهت اشتغال‌زایی و انجام فعالیت‌های سازنده، سالم و سودآور متناسب با شرایط و پتانسیل هر منطقه، از مسائلی است که شهروندان و آحاد افراد جامعه از مسوولین و کارگزاران در جامعه اسلامی انتظار دارند. تأکید مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی در همه سطوح و ایجاد شرایط و زمینه مناسب و فرهنگ سازی کار آسانی نیست و افراد منصف و دلسوز را می‌طلبد که ایثار و نیکی به خرج دهند، زمان بگذارند و با مراجعه به تعالیم غنی دین اسلام، بر غنای دانسته‌های خود بیفزایند و به رهنمودهای بزرگان دین و نماینده امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف و نایب بر حقش مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی ایفای نقش کنند. معیشت مردم، مسأله ایجاد زیر ساخت‌ها برای برخورداری از امکانات بهداشتی و ارتقاء سطح سلامت و روحیه امید به حیات همه گره خورده با مسائل اقتصادی جامعه است. اگر به فقر به عنوان یک بیماری اجتماعی نگاه کنیم، یکی از عوامل فشار اقتصادی و روانی بر مردم بوده و زمینه‌ساز فساد اجتماعی و فردی است. قرآن کریم راه‌هایی را برشمرده که انجام صحیح آن توسط کارگزاران باتدبیر و منصف موجب می‌شود فقر از جامعه رخت بریندد و عبارتند از: وضع مالیات بر درآمد (خمس، زکات و ...)، توزیع عادلانه اموال عمومی (انفال و ...)، تشویق به بخشش و نیکوکاری، ممنوعیت رشوه خواری و رباخواری (بہجت پور و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۷۸).

اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شمارد:

۱. تأمین نیازهای اساسی از جمله: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. ۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از طریق وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی می‌شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با

رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. ۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری. ۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ریا و دیگر معاملات باطل و حرام. ۶. منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات. ۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. ۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند (رحمانیان، ۱۳۸۷، ۴۱-۴۲).

اکنون در شرایط بحرانی هستیم. بحث کرونا و سلامت مردم از یک طرف، تورم ناشی از تحریم‌های دارویی و بهداشتی و اقتصادی هم از سوی دیگر تأثیرگذارند. در این برهه زمانی حساس انتظار هست که کارگزاران مدبرانه عمل کنند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی و مدیریت کنند که مشکلات و دغدغه‌های مردم کم شود. عملکرد صحیح آنها سبب تحقق انصاف می‌گردد.

۲-۳. عوامل سیاسی و بین‌المللی مؤثر در رعایت انصاف کارگزاران

یکی دیگر از عوامل مهم در تحقق انصاف کارگزاران، شناخت بیگانگان و چگونگی ارتباط با آنان است. هنگامی که با دید محققانه به تاریخ اسلام نگاه می‌کنیم، چگونگی رفتار پیامبر اسلام- صلی الله و علیه و آله و سلم- و عملکرد امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام الگوهای انصاف و نیکوکاری در حق آحاد جامعه و توجه به حقوق آنها و شرف و عزت و استقلال و آزادی آنها هستند و محافظ حریم مرزهای سرزمینی و حکومتی آنها. توجه به مؤلفه قلوبهم، مراعات حال نیازمندان از هر دین و آیین، مقرر نمودن حقوق و مستمری برای آن مسیحی نابینا از بیت المال مسلمانان به دستور امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، آزاد کردن اسیران جنگی با شرط آموزش دادن سواد به

سربازان مسلمان توسط پیامبر مهر و رحمت، صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، همه مصادیقی از تحقق و رعایت انصاف هستند. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. روابط با بیگانگان باید همراه با تدبیر و هوشیاری باشد. هر چند ممکن است در بسیاری موارد برای منافع شخصی مناسب نباشد اما به دلیل اولویت داشتن حفظ استقلال و اقتدار نظام و ضرورت توجه به مصالح عموم افراد جامعه و حفاظت از حقوق آنها هیچ گونه راه تسلطی برای دشمنان و کفار بر مسلمین وجود ندارد.

۲-۴. عوامل امنیتی مؤثر در رعایت انصاف کارگزاران

عوامل امنیتی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحقق انصاف از سوی کارگزاران است. در جامعه اسلامی فراهم نمودن زیرساخت‌ها جهت فراهم شدن زمینه امنیت جانی، روحی، روانی، اجتماعی، مالی و ... از ضروریات زندگی می‌باشد. تا احساس امنیت نباشد بستری برای سایر معادلات و برنامه ریزی‌ها و فعالیت‌ها ایجاد نمی‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو بسیج کنید. تأکید قرآن کریم بر تقویت قوای مسلمانان از موارد مهم و مورد توجه جهت اقدام توسط کارگزاران می‌باشد. تدارک تمهیدات فقط در خصوص قوای نظامی و جنگی مادی ماشینی و تجهیزات زرهی نیست، بلکه اکنون میدان مبارزه ابعاد مختلفی دارد از جمله؛ مسائل فرهنگی و تلاش دشمن در فضای مجازی و ارتباطات الکترونیکی برای کم‌رنگ کردن ارزش‌های دینی، مسائل اقتصادی و مشکلات معیشتی، مسائل اجتماعی و ... لذا شایسته است مسوولین و کارگزاران متعهد و دلسوز برای حضور سالم افراد در این فضاها بستر سازی کنند. و به آحاد افراد جامعه آگاهی بخشی صورت پذیرد. در دستگاه حکومتی و در بدنه کار تشکیلاتی تمامی افراد جامعه باید ارزشمندی و امنیت در تمام جنبه‌ها داشته باشند.

۲-۵. ارتباط با مقام مافوق و فرادستان

رعایت حرمت و احترام افراد مافوق و فرادستان از بابت احترام به قانون و قوانین اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. البته تا جایی که امر و فرمان آنها مخالف امر الهی

نباشد و با مقررات حکومت اسلامی تعارض نداشته باشد و بر اساس مبانی عقلی و علمی پذیرفته شده باشد. نحوه ارتباطات یک کارگزار با مسوولان بالادستی باید بر مبنای مقررات و توجه به قانون باشد، و توجه داشته باشند که حق و حقوقی ضایع نگردد. یک فرماندار از نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی یک مدل انتظار دارد، شهروندان یک جور دیگر انتظار دارند. که در هر صورت یک کارگزار باید مبنای گفتار و عملکردش قانون باشد و مطابق موازین دینی و الهی عمل کند. هر نوع لابی‌گری با مسوولان بالادستی و جذب حمایت‌های مادی و معنوی و اعتبارات توسط کارگزاران برای مناطق خودشان که سبب پایمال شدن حقوق مردم سایر مناطق و شهرها دال بر عدم رعایت انصاف می‌باشد.

۲-۶. نحوه رفتار با همتایان، هم‌طرازان و هم‌ردیفان

تعامل کارگزاران با یکدیگر در سطوح مختلفی که قرار دارند، برای سایر افراد الگو قرار می‌گیرد. رهبر، رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان، استانداران، فرمانداران، شهرداران و معاونین آنها مدیران و رؤسای بخش‌ها و ادارات کل و تابعه و مراکز اقتصادی، تجاری، آموزشی همه و همه مصادیق کارگزاران هستند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه به این مطلب مفصل پرداخته شده است و مبنای قانون و مقررات و توجه به شایستگی‌ها می‌باشد. در چارچوب تعاملات اجتماعی سالم و هدفمند روابط دوستانه بسیار مفید هستند. همکاری‌ها کمک به بهبود کیفیت امور می‌شود. هم‌افزایی فکری ایجاد می‌شود. و اگر کارگزاران منصف باشند و خود را تابع دستورات الهی ببینند بودن آنها در کنار هم سبب می‌شود کارها بهتر انجام شوند و حرمت و شأن خودشان و سایر مردم هم حفظ شود. و قابل ذکر است که همتایان و هم‌طرازان گاهی در داخل کشور جمهوری اسلامی مد نظر هست که چگونگی برقراری روابط مشخص شده است. اما گاهی اوقات هم‌طرازان و همتایان از سایر کشورها و بعضاً کشورهای غیرمسلمان مطرح هستند، که در این موارد ما خط قرمزها و حدود و مقرراتی داریم که در قانون اساسی کشورمان که برگرفته از قرآن کریم و متون دینی است. و در این چنین مواردی باید مراقبت شود که از انعطاف‌پذیری به تساهل و تسامح نینجامد و ساده لوحانه برخورد نشود.

۲-۷. ارتباط با زیر دستان و عامه مردم

عامه شهروندان که اکثریت جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، زیردستان کارگزاران و مسوولان به شمار می‌آیند. زیردستان باید در دستگاه حکومتی و در بدنه کار تشکیلاتی احساس امنیت جانی، روحی، روانی و مالی و شغلی داشته باشند. رعایت حق و حقوق زیردستان هم اهمیتش کمتر از حفظ حرمت بالادستان نیست. و بسیار نیازمند توجه می‌باشند. آحاد افراد جامعه و نیروی انسانی در هر جامعه‌ای بالاترین سرمایه است. انتظار متقابل رهبر و کارگزار و مردم است که احترام متقابل حفظ شود. به شرافت و ارزش انسانی مردم بها داده شود، کرامت آنها حفظ شود. و نگران حق و حقوقشان نباشند. به عبارتی مسوولین و کارگزاران امین آنها و مورد اعتماد مردم باشند و مدافع حریم حقوق مادی و معنوی آنها. شایسته است که رفتار و برخورد کارگزاران در سطوح و رده‌های مختلف با عامه مردم و بخصوص با زیردستان با حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن و نرمی باشد و از هر گونه افراط و تفریط در رفتار با اجتناب گردد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل، ۱۲۵) در آیه شریفه سه قید "حکمت" و "موعظه" و "مجادله" همه مربوط به طرز سخن گفتن است، رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است، هر چند که جدال به معنای اخصش دعوت به شمار نمی‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱۲، ۵۳۴-۵۳۳). همچنین خداوند در سوره آل عمران می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ كُنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹) بخاطر رحمت و عنایت خاص خدا بود که توانستی با مردم نرمخو باشی. هرگاه تندخو و سنگدل می‌بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند. از اینرو از اشتباهاتشان درگذر و در مقابل گناهانشان از خدا برایشان طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما. مطابق مضمون آیات مذکور کارگزاران موظف هستند با بهترین بیان با زیردستان و مجموعه تحت نظارت خود رفتار کنند. و از سوی دیگر اگر قصوری از کارگزاران سر زد و ایرادی در اعمال و گفتار آنان مشاهده شد ناقدان هم با دلسوزی و محبت و لحن و بیان

۴۴۷

پیشانی
روابط بین الملل

بایسته‌های مفهوم
انصاف حکومتگران
و کارگزاران سیاسی
از منظر قرآن و
روایات اسلامی

دوستانه تذکر دهند. سبک و شیوه هدایت قرآن، پرهیز از اکراه و اجبار است. قرآن مجید، پیامبرش را فقط تذکر دهنده می‌داند، نه سلطه گر «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَّسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه، ۲۱ و ۲۲). سخت گیری و تحمیل در منطق پیامبر (ص) راه نداشت بلکه با رفق و مدارا به وظیفه تبلیغی خود می‌پرداخت آن حضرت به یاران خود نیز توصیه می‌کردند که بر مردم آسان بگیرید و سخت مگیرید و نوید دهنده باشید و در آنان نفرت ایجاد نکنید. البته این سخن به معنای تسامح و تساهل و بی‌توجهی در امور مسلمانان نیست چرا که ارزیابی، رسیدگی، انتقاد و ابلاغ سخن از جمله وظایف دینی و انسانی آحاد جامعه است و غفلت از آن تضييع حقوق دیگران قلمداد می‌شود. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ کتاب شریف نهج البلاغه می‌فرماید: در پند دادن دوست بکوش، خوب باشد یا بد، و خشم خود را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین‌تر از آن نوشیدم، و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام (شریف الرضی، ۱۳۸۰، ۵۳۵). در قرآن کریم در سوره کهف «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف، ۵۴) اشاره شده به قالب‌ها و مثال‌ها و بیان‌های گوناگونی که با مردم سخن گفته شده اما مجادله کننده در مقابل هر بیان و نصیحتی جدل می‌کند. یکی از راه‌های رسیدن به قول احسن و رأی صحیح‌تر بررسی آرای دیگران و انتخاب بهترین رأی صواب است. رعایت این اندرز راه گشا برای عموم مردم به ویژه مسئولین و آنها که زمام امور را به دست دارند، بسیار مغتنم و خردورزانه است (تفقی، ۱۳۹۵، ۳۰۲-۳۰۳).

خداوند در آیه ۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»؛ و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید. و همچنین در آیه ۷۷ سوره قصص می‌فرماید: «و احسن کما احسن الله الیک»؛ و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن. نیکوکاری می‌تواند در رفتار، گفتار، اخلاق و فکر بروز و ظهور پیدا کند، این مفهوم بسیار وسیع است که اگر سر لوحه زندگی قرار گیرد می‌تواند عامل حیات طیبه و زمینه رشد و کمال انسان قرار گیرد. خداوند می‌فرماید: پاسخ نیکویی را نه تنها باید با نیکویی داد، بلکه باید نیکوتر و بهتر پاسخ داد. تا زندگی انسان زیباتر شود و رنگ و بوی الهی پیدا کند " وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا ... "؛ و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوئید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید (نساء، ۸۶)، این جمله امر به تحیت

است، در مقابل تحیتی که دیگران به انسان می‌دهند، می‌فرماید: در پاسخ تحیت دیگران، تحیتی به مثل آن و یا بهتر از آن بدهید. و این حکمی است عمومی، تمامی تحیت‌ها را شامل می‌شود، چیزی که هست مورد آیات محل بحث ما به شهادت آیات بعد تحیت سلام و صلحی است که مسلمانان دریافت می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵، ۴۴).

امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیر دستانت انصاف داشته باش که اگر انصاف، پیشه خود نسازی ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند خدا دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد دلیلش را باطل می‌سازد و عذرش را نمی‌پذیرد و چنین شخصی با خدا در جنگ است مگر آنکه دست از ستم بردارد و توبه کند (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۹۶). اثر انصاف با مردم در اصل به خود شخص برمی‌گردد؛ زیرا از برکات و آثار انصاف در حق دیگران آن است که مردم برای او ارزش و اعتبار قائل شده و سخن و داوری او را می‌پذیرند. امام صادق (ع) فرمود: **من انصف الناس من نفسه رضی به حکما لغيره**؛ هرکس با مردم منصفانه رفتار کند، دیگران داوری او را می‌پذیرند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ۳۵۷). در موارد زیادی مسائلی پیش می‌آید که یک کارگزار باید در جایگاه یک قاضی قرار گیرد. در چنین دقیق زیردستان و افراد تحت الأمر، در انتصاب افراد، در انجام ارزشیابی آنها جهت ترفیع و ارتقاء درجه، جهت سپردن مسوولیت و ... زمینه قضاوت داوری پیش می‌آید. که باید جانب انصاف رعایت شود.

۲-۸. چگونگی تعامل با دوستان و آشنایان

دوستان و اطرافیان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر اعمال و رفتار افراد دارند. امام صادق (ع) فرمود: بر حاکم لازم است سه چیز را درباره خاص و عام رعایت کند: دادن پاداش نیکو به نیکوکاران تا به کارهای خیر تشویق شوند؛ چشم پوشی از گناه خطاکاران تا توبه کنند و از راه خطا بازگردند؛ تألیف قلوب همه اقشار مردم با احسان و انصاف (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۳۸). بر مبنای اصول انصاف، قاعده زرین، دیگر گروی و انفاق و ... انتظار بر این است که در کنار انگیزه «حب ذات»، «حب غیر» و دیگر دوستی و دیگر خواهی هم مد نظر قرار گیرد. احسان و نیکوکاری به دیگران یک ارزش است.

نیکوکاری در عمل، در گفتار و در نیت و اندیشه، نسبت به دوستان و بستگان و مردم، ارزش والای انسانی است (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۴۵۹). در این آیه حسنه مطلق آورده شده و مراد از آن اعم از حسنه آخرت و حسنه دنیا است که نصیب مؤمنین نیکوکار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱۷، ۳۷۱-۳۷۲).

۲-۹. چگونگی تعامل با بیگانگان و دشمنان

تعامل با غیر مسلمانان و بیگانگان بر مبنای اصول اخلاقی منطقی و عقلانی و مقررات انسانی و بشر دوستانه است. تا جایی که عزت و شرافت و استقلال یک جامعه اسلامی و کارگزاران مسلمان خدشه دار نشود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است (نساء، ۱۴۱). انصاف در رفتار با دشمنان، حفظ حدود و توجه به استقلال فکری می‌باشد. شهید مطهری در خصوص احیای عزت نفس و کرامت انسانی می‌نویسد: " یکی از موجبات لغزش اندیشه، گرایش به شخصیت‌هاست. شخصیت‌های بزرگ تاریخی یا معاصر، از نظر عظمتی که در نفوس دارند، بر روی فکر و اندیشه، و تصمیم و اراده دیگران اثر می‌گذارند. و در حقیقت، هم فکر و هم اراده دیگران را تسخیر می‌کنند. دیگران آنچنان می‌اندیشند که آنها می‌اندیشند و آنچنان تصمیم می‌گیرند که آنها می‌گیرند. دیگران در مقابل آنها استقلال فکر و اراده خود را از دست می‌دهند. قرآن کریم ما را دعوت به استقلال فکری می‌کند و پیروی کورکورانه از اکابر و شخصیت‌ها را موجب شقاوت ابدی می‌داند" (ولایی، ۱۳۷۷، ۱۸۸).

آنچه که در برجام اتفاق افتاد خلاف اصول منطقی و خارج از انصاف بود. به دشمن اعتماد شد، نمایندگان جمهوری اسلامی باید با ذکاوت و هوشمندانه از منافع کشورشان دفاع و حمایت می‌کردند.

۲-۹-۱. نحوه سخن گفتن و مجادله با اهل کتاب

یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط یک حاکم و کارگزار با دیگران گفتگو می‌باشد. ساختار گفتار و نحوه سخن گفتن افراد با توجه به مقام و موقعیت باید ادابی درخور داشته باشد. گفتار کارگزاران با افراد مختلف بسیار مهم است. شایسته است که کارگزاران منطقی و منصف، حریم و حرمت سخن گفتن و رفتار با افراد را حفظ نمایند. قابل ذکر است که

رعایت این مطلب فقط در حق مسلمانان نیست، بلکه نسبت به پیروان سایر ادیان هم صدق می‌کند. قرآن کریم در آیه شریفه زیر شیوه مجادله و گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با اهل کتاب را بیان می‌نماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت، ۴۶)؛ خداوند در این آیه خطاب به پیامبر که رهبر و حاکم حکومت اسلامی است نحوه برخورد با غیر مسلمانان را بیان می‌کند که با آنها مجادله مکن، مگر به طریقی که بهترین وجه است و از آن بهتر تصور و امکان نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۶، ۲۰۵-۲۰۴). این نوع خطاب و این سبک معاشرت با پیروان سایر مذاهب حکایت از رعایت انصاف در نحوه سخن گفتن و انجام احسان در حق آنان دارد. در این آیه نوعی دعوت به وحدت وجود دارد، تأکید بر مشترکات در بعد اعتقادی دارد، نتیجه رعایت انصاف و خدامحوری در زندگی است.

۲-۹-۲ ارتباط با دشمنان و غیر مسلمانان

شایسته است که کارگزاران با تدبیر و منطقی و منصف، حریم و حرمت سخن گفتن و رفتار با افراد را حفظ نمایند حتی با دشمنان. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام، ۱۰۸). شما مؤمنان به آنانکه غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید تا مبادا آنها از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام گویند، ما بدینسان برای هر امتی عملشان را بیاراستیم و عاقبت بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، و او از اعمالی که می‌کرده‌اند خبرشان می‌دهد. این آیه یکی از ادب‌های دینی را خاطرنشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود، چون هر انسانی به لحاظ اخلاقی از حریم مقدسات خود دفاع نموده با کسانی که به حریم مقدساتش تجاوز کنند به مقابله برخیزد و چه بسا شدت خشم او را به فحش و ناسزای به مقدسات آنان وادار سازد، و چون ممکن بود مسلمین به منظور دفاع از حریم پروردگار بت‌های مشرکین را هدف دشنام خود قرار داده در نتیجه عصبیت جاهلیت، مشرکین را نیز وادار سازد که حریم مقدس خدای متعال را مورد هتک قرار دهند لذا به آنان دستور می‌دهد

که به خدایان مشرکین ناسزا نگویند، چون اگر ناسزا بگویند و آنان هم در مقام معارضه به مثل به ساحت قدس ربوبی توهین کنند در حقیقت خود مؤمنین باعث هتک حرمت و جسارت به مقام کبریایی خداوند شده‌اند. از عموم تعلیلی که جمله "كذَلِكْ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ" آن را افاده می‌کند نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدسات دینی استفاده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۷، ۴۳۴). در این آیه خدا با انصاف برخورد کرده و فرموده: شما مؤمنان به آنکه غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید تا مبدا آنها از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام گویند، مضمون این آیه به قاعده طلایی؛ هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند و هر چه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند، اشاره دارد. که حتی نسبت به افراد غیر موحد هم باید انصاف داشته باشیم. أَحِبُّوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لَأَنْفُسِكُمْ: دوست بدارید برای مردم آنچه را برای خود دوست می‌دارید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲، ۲۵). همچنین مطابقت دارد با فرازی از نامه ۳۱ نهج البلاغه که حضرت علی (ع) خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع) می‌فرماید: بپسند آنچه برای خود می‌پسندی، و نخواه برای دیگری آنچه برای خود نمی‌خواهی، و ستم مکن چنانکه نمی‌خواهی ستم شود، و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی شود، و زشت دان از خود آنچه را که از دیگری زشت پنداری، آنچه دوست نداری برایت گفته شود مگو (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۵، ۹۲۲).

مولای متقیان امام علی (ع) در جنگ صفین که شنید یاران او شامیان را دشنام می‌دهند فرمود: من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر و عذریزتر بود خوب بود بجای دشنام آنان می‌گفتید خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند (همان، ۱۳۸۰، ۴۲۹). امام صادق (ع) فرمود: بر حاکم لازم است سه چیز را درباره خاص و عام رعایت کند: دادن پاداش نیکو به نیکوکاران تا به کارهای خیر تشویق شوند؛ چشم پوشی از گناه خطاکاران تا توبه کنند و از راه خطا بازگردند؛ تألیف قلوب همه اقشار مردم با احسان و انصاف (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۴۳۸). صلاح عقل ادب است؛ صلاح العقل الأدب (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰،

(۴۱۶) و صلاح انسان در خوش‌زبانی و احسان و نیکی است؛ صلاح الإنسان فی حسن اللسان و بذل الإحسان (همان، ۴۱۷). قابل ذکر است که رعایت این امر از سوی کارگزاران از اهمیت بالایی برخوردار است و ضرورت بیشتری دارد. مطابق محتوای این آیه کارگزاران باید در برخورد با سایر افراد جامعه و غیر مسلمانان از خشونت و تندی پرهیز کنند تا آنها را به سمت دیدگاه‌های خود متمایل و با خود همراه کنند. خداوند در آیه ۵۵ سوره نور الگوی حکومتی را معرفی می‌نماید: مفسران مصداق کامل آیه «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» را حضرت مهدی (ع) معرفی کرده و توضیح داده‌اند که سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند. بر این اساس امید به ایجاد نظام حکومتی نمونه در آینده که حاکم آن کاملاً به مقتضای خلیفه بودن عمل خواهد کرد، در معتقدان به خلافت بشر ایجاد می‌شود و این حکومت نمونه تام حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالص خواهد بود. (عابدی، محمد، ۱۴۰۰، ص ۳۷۳).

۱۰. انصاف در نقد

نقد و انتقاد منصفانه عملکرد و گفتار افراد از منظر قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام پسندیده است. در صورتی که مطابق معیارهای قرآنی و دینی صورت پذیرد سبب پیشرفت و تکامل فرد و جامعه می‌شود. یکی از وظایف مهم کارگزاران نقد و بررسی و سنجش افرادی است که در تعامل با آنها هستند. در این قسمت، در این جا با تحلیل مفاهیم محوری مؤلفه‌های یک نقد منصفانه که عبارتند از: آگاهی و بصیرت در نقد منصفانه (اسراء، ۳۶)، حق‌گرایی (شمس، ۹)؛ (احزاب، ۷۰)، (زمر، ۱۸)، رعایت ادب در نقد و انتقاد منصفانه؛ (انعام، ۱۰۸)، تقویت و ارشاد شخص مورد انتقاد با انجام انتقاد سازنده (انسان، ۲۴)، نامه ۵۳؛ بی‌طرفی در نقد، حسابرسی از خویش قبل از نقد دیگران؛ (صف، ۲-۳)؛ عدم استثناء در نقد (هود، ۸۸)، انجام نقد از روی تدبیر و حکمت (نحل، ۱۲۵)؛ آل عمران، ۱۵۹؛ نامه ۳۱ نهج البلاغه، دوری از ظن و گمان، تجسس، غیبت و شایعه‌پراکنی در نقد منصفانه؛ (حجرات، ۱۲)؛ (نمل، ۸۴)، انصاف و نقد و انتقاد به شیوه غیر مستقیم (اعراف، ۶۲ و ۶۸)؛ اجتناب از شتابزدگی در نقد و انتقاد (حجرات، ۶)، در مرحله کدگذاری منتخب، آن‌ها را در قالب چهار مقوله اصلی شامل عقلانیت‌مداری،

عدالت محوری، اخلاق مداری و تربیت مداری بر آمده از یازده مؤلفه مذکور استخراج کردیم. ارائه این راهکارها به منزله عوامل آسیب زدا در گفتمان نقد عملکرد و گفتار افراد بر پایه انصاف ضروری است. و توجه به آنها توسط منتقدان و متولیان اصلاح عملکرد افراد، یعنی کارگزاران سبب می‌شود تا نقد منصفانه افراد کمتر با آسیب‌ها و چالش‌ها روبه رو شود. و محبوبیت و مقبولیت کارگزاران پا بر جا بماند. از سوی دیگر، گرچه در جامعه اسلامی، مسئولان و دولتمردان پس از آزمایش و گزینش به کارگمارده می‌شوند، اما در بسیاری از موارد توانایی و هنر انسان در عمل محک زده می‌شود مسئولان گاه نیازمند هدایت و ارشادند؛ گاه تعویض و جایگزین، و گاهی مستحق پاداش و برخی اوقات شایسته مجازات و توبیخ‌اند (ورعی، ۱۳۸۱، ۴۰۴-۴۰۵).

نتیجه گیری

انصاف از ارزش‌های بنیادین موسس جامعه داخلی و جامعه بین‌المللی دولت‌ها است، در طول تاریخ این ارزش بنیادین در بستر عرف تکوین یافته و نقش بسزائی در بالندگی سیاسی اجتماعی و اقتصادی حیات بشری ایفا کرده است، علاوه بر این در ادیان توحیدی، انصاف جایگاه مهمی دارد و مورد تاکید قرار گرفته است، در این مقاله به بررسی مفهوم انصاف سیاسی یا به عبارتی مفهوم انصاف معطوف به کارگزاران و حکمرانان سیاسی از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی پرداخته شد و در دو بعد معنوی و مادی عوامل مهم تاثیرگذار بر تحقق انصاف در میان حکمرانان و کارگزاران سیاسی طبق آیات الهی و احادیث رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، از این بررسی این گونه استنتاج می‌شود که تحقق و رعایت انصاف در میان حکمرانان سیاسی از ارزش‌هایی است که در اسلام مورد تاکید واقع شده است چرا که حکمرانان و کارگزاران سیاسی از قدرت تاثیرگذاری برخوردار هستند آنها از طرفی به سبب جایگاهی که دارند نقش مهمی در تکوین هنجارهای اجتماعی جوامع دارند از طرفی توانایی تغییر مناسبات و معادلات حیات جوامع را دارند، لذا در اسلام بیش از افراد عادی می‌بایست در خصوص رعایت انصاف متعهدانه کارگزاری کنند، این امر خود مستلزم عواملی است که در متن بدان‌ها پرداخته شد، در منظومه تمدنی جهان

اسلام این اصل در پیوند با دیگر اصول از قبیل عدالت لازمه تحقق جامعه ای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است که امکان سعادت دنیوی و اخروی افراد را فراهم کند.

منابع

ابن ابی‌جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳) الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، جلد ۳، دار القرآن الکریم، ایران، قم.

۴۵۵

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲) الخصال، ج ۱، جامعه مدرسین، قم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۷۶، تحف العقول، ترجمه کمره‌ای، چاپ ششم، کتابچی، تهران.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱) المحاسن، ج ۱، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیه، قم.

بهجت پور، عبدالکریم؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ و همکاران (۱۳۹۵) تفسیر موضوعی قرآن کریم، نشر معارف، قم، چاپ شصت و هشتم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶) تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰) غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم.

ثقفی، علی (۱۳۹۵) آیین زمامداری در مکتب علی (ع)، انتشارات هاد، تهران.

جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸) مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان، تهران.

جمشیدی راد، محمدصادق (۱۳۹۵) راهکارهای افزایش اعتماد به نفس و کاهش افسردگی در قرآن و حدیث، نور، شماره ۱، صص ۲۳-۴۶.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح الحیاه، چاپ نود و نه، مرکز نشر اسراء، قم.

حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰) الحیاه، مترجم احمد آرام، ج ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

رحمانیان، مسعود (۱۳۸۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بهنامی، تهران.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۴، چاپ سوم، دار الکتب العربی، لبنان، بیروت.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۰) ترجمه نهج البلاغه (دستی)، قم، انتشارات آل طه، چاپ دوم.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹) ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۵، چاپ پنجم، مؤسسه و چاپ نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران.



طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، جلد: ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۵، ۱۶ و ۱۸، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۷، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، جلد: ۲، ۷، ۱۱، ۱۷، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ایران، قم، چاپ دهم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ج و ۱۰، چاپ سوم، ناصر خسرو، ایران، تهران.

عابدی، محمد، ۱۴۰۰، مبانی سیاست از منظر قرآن، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸) تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۹، ایران، تهران.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، ج ۷۲، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴) التفسیر الکاشف، جلد ۵، دار الکتب الإسلامی، ایران، قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، جلد ۳، ۱۲، ۱۴، چاپ دهم، دار الکتب الإسلامیة، تهران.

ورعی، جواد (۱۳۸۱) حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.

ولایی، عیسی (۱۳۷۷) مبانی سیاست در اسلام، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.